

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال در کلام مرحوم محقق خوئی در مورد معنای آیه ذکر

ملاحظه فرمودید یکی از ایراداتی که براستدلال به آیه ذکر بیان کردند در مورد معنای حفظ بود، که آن را بیان کردیم؛ اشکال دیگر در مورد متعلق حفظ بود که بیان مرحوم آقای خوئی را در مورد اشکال متعلق بیان کردیم. به نظر می‌رسد جواب ایشان قابل مناقشه است؛ ایشان در جواب اشکال فرمودند مراد از ذکر، قرآنمکتوب یا قرآن ملفوظ نیست، تا شما از حیث متعلق اشکال کنید و بگویید در بسیاری از مواقع در قرآنمکتوب غلط واقع می‌شود و قابل از بین رفتن و اندراساست. هر چند که هیچ اشاره‌ای در کلام مرحوم آقای خوئی به کتاب **مجد البیان** نشده است، اما ایشان می‌فرماید: این اشکالات در صورتی است که مراد از ذکر، قرآن مکتوب باشد؛ در حالی که مراد از ذکر، محکی به این کتاب و کلمات است؛ یعنی آن حقیقتی که بر قلب مبارک پیامبر(ص) نازل شده است؛ آن حقیقت محفوظ می‌ماند و قابل تغییر و تبدیل نیست، و تحریف در آن راه ندارد. همچنین عرض کردیم و احوال ما (رض) در کتاب **مدخل التفسیر** از همین جواب مرحوم آقای خوئی تبعیت فرموده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که این مطلب قابل مناقشه باشد؛ برای این که اولاً نزاع در باب تحریف در همین حاکی و قرآن مکتوب است؛ ما می‌خواهیم ببینیم آیا در این قرآنی که مکتوب است، تحریف راه پیدا کرده است یا نه؟

برای اینکه محکی از دسترس بشر خارج است و حقیقتی است که بر قلب مبارک پیامبر نازل شده است؛ چنین چیزی اصلاً قابلیت و امکان تحریف ندارد. بحث در ایناست که آنچه که حاکی از این محکی است، آیا در آن تحریف راه پیدا کرده یا نه؛ و این محل نزاع است. اگر در حاکی تحریف راه پیدا کرده باشد، می‌شود محرف و یا این است که حاکی مطابقت با محکی داشته و در آن تحریف نیست. لذا، ما هر چه در این جواب ایشان دقت کردیم، دیدیم که جواب درستی نیست. پس، اشکال اول این شد که محل نزاع در باب تحریف، حاکی است و نه محکی؛ چرا که اساساً محکی قابلیت تحریف ندارد. **اشکال دوم** این است که شما با چه قرینه‌ای می‌فرمایید مراد از ذکر در این آیه شریفه محکی است؟ « **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** » مراد از ذکر در اینجا همان ذکر است که در دسترس مردم قرار گرفت؛ یعنی همین کتاب مکتوب قرآن ملفوظ؛ اما اینکه بگوییم در « **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ** »، مراد از ذکر همان حقیقتی است که بر قلب پیامبر نازل شد، این که بدون حاکی قابلیت دسترسی برای مردم را ندارد! ایشان فرموده‌اند: **وانما المراد بالذكر هو المحكي بهذا القرآن الملفوظ او المکتوب و هو المنزل علي رسول الله** چه قرینه‌ای بر این معنای ایشان هست و قرینه ایشان چیست؟

البته حاکی به اعتبار محکی است و خودش فی حد نفسه چیزی نیست، اما نمی‌توانیم بگوییم قرآن یعنی آن چیزی که بر قلب پیامبر نازل شد؛ که در این صورت، ما الآن به آن چیزی که بیناالدفتین هست، نمی‌توانیم بگوییم ذکر و قرآن است؛ و حال آن که مسلماً ما بین الدفتین ذکر، قرآن، شفاء، نور، هدی و ... است و تمامی این اسامی بر آن اطلاق می‌شود. پس، جواب ایشان، جواب درستی نیست. نکته دیگر این است که اصلاً در فرمایشات مرحوم آقای خوئی قدس سره تهافت است؛ و آناین که ایشان از

يك طرف فرمودند مراد از « **وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** » حفظ در لوح محفوظ و حفظ عند ملك من الملائك نیست، بلکه مراد حفظ نزد عامه بشر است؛ تعبیرشان این است: **لأن حفظ القرآن يجب أن يكون عند من أنزل اليهم و هم عامة البشر**؛ و این که خدا بفرمایند ما يك قرآني فرستادیماما آن را در لوح محفوظ حفظ کردیم، فایده‌ای ندارد. این حرفخوبی است، اما بین این حرف و حرفی که در این جواب فرموده‌اند که **لأن المراد بالذكر هو المحكي بهذه القرآن المملووظ سازگاری نیست. عامة البشر قرآن مکتوب و مملووظ است**، اما محکی آن است که بر قلب مبارک پیامبر نازل شده است. پس، این تهافت همدر فرمایش مرحوم آقای خوئیقدس سره وجود دارد.

پاسخ استاد محترم از اشکال فوق

اما بالاخره این ایراد را چطور باید جواب داد؟ ایراد صاحب **مجد البیان** که می‌گوید اگر مراد از حافظون این باشد که خدا هرچه که به عنوان قرآن نوشته شده است و هرچه که به عنوان قرآن چاپ می‌شود را محافظت می‌کند و نمی‌گذارد در آن تغییر و اندرانی پیدا شود؛ ما در خارج خلاف آن را مشاهده می‌کنیم؛ و این که قرآن‌ها مخالف هستند و از بین می‌روند. جوابی که ما می‌خواهیم بدهیم، و شاید از عبارت خود ایشان هم به دست آید، این است که در زمانما، اگر هزار نوع قرآن چاپ شود، در هر چاپیک تغییری بوجود آید، چرا می‌گوییم اینها تحریف پیدا نکرده است؟ برای اینکه اصلش محفوظ است؛ چون ما اصلش را می‌دانیم، می‌گوییم قرآن این است. به عبارت دیگر، ما در چه صورت می‌توانیم ادعا کنیم که تحریفی نیست؟ در صورتی که اصلش را بدانیم. وقتی اصلش را بدانیم، می‌گوییم آقا این با اصل مطابقت ندارد، پس تحریف شده است. بنابراین، اینکه الان می‌بینیم در قرآن‌های موجود هر تغییری به وجود بیاید، می‌فهمیم که اشتباه است، برای این است که اصلش نزد ما محفوظ است؛ و معنای « **وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** » همین است؛ یعنی ما اصل قرآن مکتوب نازل را حفظ کردیم. فرق میان قرآن با سایر کتب آسمانی این است که سایر کتب آسمانی اصلاً اصلش از اول محفوظ نبود اما اصل قرآن از اول محفوظ بوده است.

شما کتابی را نوشتید، اصل کتاب و نسخه خطی کتاب نزد خودتان موجود است، اگر آن کتاب به هزار نوع چاپ شود و در هر چاپی هم کم و زیاد بشود، شما می‌گویید ما این کتاب را حفظ کردیم، یعنی اصلش نزد خودتان محفوظ است؛ اینجا هم نزد مسلمانان صدر اسلام اصل قرآن محفوظ بود؛ در آن زمان، امکان این که این کتاب از بین برود نبود، و آن اصل به طریق حفاظ و قراء به ما منتقل شده است. نکته‌ای را بعد از درس دیروز خدمت بعضی از آقایان گفتیم که ممکن است کسی «انا له لحافظون» را بگوید منظور این نیست که قرآن را ما حفظ کردیم از طریق این که حفاظ زیادی قرآن را حفظ کردند، بلکه قرآن در همان زمان نزول، با تحدی که کرد، با خصوصیات و مشخصاتی که دارد، محفوظ بود؛ حال اگر کسی بگوید از کجا می‌گویید آن قرآن اصلی به شما منتقل شده است؟ می‌گوییم این از طریق حفاظ و قراء و اهتمام مسلمانها به ما رسیده است؛ به يك بیان دیگر، «انا له لحافظون» را باید برگردیم به 1400 سال پیش، در آن موقع معنا کنیم؛ ما يك وقتی در شرایط امروز می‌گوییم «انا له لحافظون»، آن وقت این اشکالات را مطرح می‌کنیم که این قرآن‌های چاپ شده گاه پاره شده و گاه کم و زیاد شده و گاه آتش گرفته است؛ نه، چنین نیست.

آن قرآن مکتوب که بر پیامبر نازل شده و پیامبر آن را فرمود، یعنی قرآن ابتدا مملووظ بوده و بعد مکتوب شده است؛ همان زمان خدا فرموده که ما آن را حفظ می‌کنیم؛ یعنی در همین زمان حال، آن را حفظ می‌کنیم، آینده هم حفظ می‌کنیم، تا قیامت هم آن را حفظ می‌کنیم؛ به صورت اسم فاعل استمراری. در آن زمان، حفظ قرآن به وسیله حفاظ نبود؛ بلکه عنایت خاص خدا بود که آیات مملووظ که پیامبر فرموده، محفوظ بماند و هیچکس نتوانست آنها را تغییر بدهد؛ البته آن قرآن مملووظ از طریق حفاظ به نسل‌های دیگر منتقل شد؛ و الا ما نمی‌توانیم بگوییم «انا له لحافظون» از همان ابتدا حفظ از طریق حفاظ بوده است؛ من طریق الحفاظ برای تورات و انجیلهم بوده، پس بگوییم آنها هم که حفاظ داشتند، کتابشان درست منتقل شده است؛ در حالی که یقین داریم کتاب آنها تحریف شده است. بنابراین، باید حفظ را که به معنای عدم تحریف است - با قطع نظر از حفاظ معنا کنیم؛ یعنی خداوند قرآن مملووظ را

حفظ کرد؛ اما به چه نحوی آن را حفظ کرد، لزومیندارد که آن را بدانیم؛ فقط می‌گوییم این قرآن در زمان پیامبر اصلش محفوظ بود، قرآن ملفوظ و مکتوب اولی است، در زمان خلفا هم محفوظ بوده، بعد نیز محفوظ بود و اکنون هم محفوظ است تأقیامت. پس، نکته اول این شد که اساساً اگر ما امروزه می‌فهمیم که اشتباه و تغییری در قرآن به وجود آمده، خودش دلیل بر این است که اصل قرآن محفوظ است؛ اگر اصل قرآن را نمی‌دانستیم، از کجا می‌فهمیدیم تغییری در آن به وجود آمده است؟ پس، اصل قرآن محفوظ است و «انا له لحافظون» اشاره دارد به همان قرآن ملفوظ مکتوب در زمان پیامبر که محفوظ بوده و الآن هم همان محفوظ است. و دیگر اشاره به قرآن‌های موجود چاپ شده ندارد که بعضی‌ها آن را دچار تغییر و تحریف می‌کنند. متعلق حفظهمان قرآن ملفوظ مکتوب در زمان پیامبر است. آن قرآن الآن هم هست و ما مدعی هستیم قرآن موجود با آن مطابقت دارد.

نکته دوم: از اینجا اشکالی را که مرحوم حاجی نوری دارد، جواب داده می‌شود. حاجی نوری یکی از اشکالاتی که به استدلال به این آیه کرده، این است که آیه‌ی ذکر یا آیه حفظ مکیاست، و لفظش به صورت تصیغه ماضی است، در نتیجه، این آیه می‌گوید چیزی را که تاکنون نازل کردیم حفظ می‌کنیم؛ یعنی به هر مقداری که تا زمان نزول این آیه شریفه در مکه از آیات قرآن نازل شده بود، خدای فرماید آنها را ما حفظ می‌کنیم؛ اما داللت ندارد سوره‌ها و آیات بعدی را که برای تو می‌فرستیم، آنها را هم حفظ کنیم؟! جواب این است که کلمه «ذکر» در آیه شریفه اختصاص به آنچه که تا حالا نازل شده است، ندارد؛ بلکه منظور مجموع آیات و مجموع ذکر یعنی قرآن است، نه آیاتی که تا زمان نزول این آیه نازل شده است. مثل این است که بگوییم «انا انزلناه»؛ یعنی انزلنا القرآن، انزلنا الذکر. همانطور که «تنزیل» یک صفت عام است، ذکر هم یک صفت عام است و همه قرآن را شامل می‌شود. اما همانگونه که عرض کردیم، عمده اشکال این است که استدلال به این آیه شریفه، یک استدلال دوری است؛ و چه بسا خود این آیه تحریف شده باشد. شما به آیه قرآن برای عدم تحریف قرآن استدلال می‌کنید، در حالی که ممکن است خود همین آیه تحریف شده باشد. این را دقت کنید، چند جواب دارد که فردا انشاءالله عرض می‌کنیم. و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین.